



## لغت

لغت صوتی است که هر قوم از اغراض خویش تعبیر می‌کنند.

### فهرست مندرجات

- ۱ - اصل کلمه لغت
- ۲ - تعریف لغت
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

### اصل کلمه لغت

اصل این کلمه «لغوۃ» بر وزن - فعلة - است و برخی گفته اند که اصل آن «لغی» یا «لغو» می باشد. در هر صورت «تا» را بجای حرف محذوف نهاده اند. [۱] [۲]  
و برخی چون شادروان دهخدا معتقدند که ریشه آن کلمه لگس Logos می باشد که یک واژه یونانی است. [۴]

### تعریف لغت

لغت را چنین تعریف کرده اند: «هی اصوات یعبر بها کل قوم عن اغراضهم». [۵] [۶]  
یعنی لغت صوت یا اصواتی است که هر قوم بدان از اغراض خویش تعبیر نمایند.  
و به عبارت دیگر لغت لفظی است که برای معنایی وضع شده باشد. [۷]  
و یا کلامی است که در میان افراد هر قومی متداول و مصطلح است. [۸] [۹]  
و یا چنان‌که خواجه طوسی در اساس الاقتباس<sup>[۱۰]</sup> می نویسد: لغت الفاطمی را گویند که تعلق به قومی خاص دارد و مشهور مطلق نبود مانند معربات در تازی و لغات قبائل.  
و گاهی لغت بر جمیع اقسام علوم عربیه اطلاق می شود. [۱۱]

### پانویس

۱. ↑ لسان العرب، ذیل «لغا»، ج ۱۵، ص ۲۵۰.
۲. ↑ کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۲۱۱.
۳. ↑ الصحاح چاپ دارالکتب العربی، مصر، ج ۶، ص ۲۴۸۴.
۴. ↑ لغت نامه دهخدا، ماده «لغت».
۵. ↑ لسان العرب ماده «لغا».
۶. ↑ کلیات (ابی البقاء الحسینی الکفوی الحنفی)، چاپ تهران، ۱۲۸۶ هـ.ق، ص ۲۹۲.
۷. ↑ کشف اصطلاحات الفنون، چاپ مکتبه خیام - تهران، ج ۲، ص ۱۲۱۱.
۸. ↑ المنجد چاپ بیروت، ص ۷۲۶.
۹. ↑ کلیات ابی البقاء، ص ۲۹۲.
۱۰. ↑ اساس الاقتباس، چاپ دانشگاه تهران، ص ۵۹۵.
۱۱. ↑ کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۱۲۱۱.

### منبع

جاری عربلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه فارسی، ص ۱۵-۱۶.